

# بررسی میزان ارزبری و ارزآوری زنجیره‌های ارزش صنعتی در ایران به تفکیک رشته فعالیت





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۵/۲۶

شماره مسلسل: ۲۰۹۰۳

کد موضوعی: ۳۱۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

**عنوان گزارش:**

بررسی میزان ارزبری و ارزآوری زنجیره‌های ارزش صنعتی  
در ایران به تفکیک رشته فعالیت

**نوع گزارش:** طرح/ لایحه ، نظارتی ، راهبردی ، پیش‌نویس قانونی

**نام دفتر:**

مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه صنعت و تجاری‌سازی)

**مدیر مطالعه:**

محمدهادی عامری شهرابی

**تهیه و تدوین کنندگان:**

سحر بشیری (عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س) قم)،  
حسن حیدری (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)، محمدهادی عامری شهرابی

**ناظران علمی:**

میلاد بیگی، حبیب‌اله ظفریان، سعید شجاعی

**همکار:**

فاطمه میرجلیلی

**گرافیک و صفحه‌آرایی:**

نفیسه حاجی صفری

**ویراستار ادبی:**

سیده مرضیه موسوی راد

**واژه‌های کلیدی:**

۱. ارزبری و ارزآوری صنایع
۲. زنجیره‌های ارزش صنعتی
۳. صادرات و واردات
۴. سیاستگذاری صنعتی
۵. رشته فعالیت‌های صنعتی

**تاریخ شروع مطالعه:**

۱۴۰۳/۷/۱



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. بررسی میزان ارزآوری و ارزبری صنایع کشور بر مبنای آمار کارگاه‌های صنعتی.....	۱۱
۳. بررسی ارزآوری و ارزبری صنایع کشور با رویکرد جدول داده-ستانده.....	۲۱
۴. جمع‌بندی.....	۲۳
منابع و مآخذ.....	۲۶

## فهرست شکل‌ها

شکل ۱. نمودار روند و رشد ارزبری کوتاه‌مدت بخش صنعت و سهم آن از ارزش افزوده در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۲
شکل ۲. نمودار روند و رشد ارزش حقیقی ارزبری کوتاه‌مدت بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۳
شکل ۳. نمودار ارزش جاری و حقیقی ارزبری کوتاه‌مدت به تفکیک فعالیت‌های صنعتی - میلیارد ریال (متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱).....	۱۴
شکل ۴. نمودار نسبت ارزبری کوتاه‌مدت از ارزش افزوده محصولات صنعتی - درصد (سال ۱۴۰۰ در مقایسه با متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱).....	۱۵
شکل ۵. نمودار روند و رشد ارزبری بلندمدت بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۶
شکل ۶. نمودار روند ارزبری به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰ (حقیقی) و رشد آن در بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۷
شکل ۷. نمودار نسبت ارزبری بلندمدت به ارزش افزوده بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۷
شکل ۸. نمودار نسبت ارزبری بلندمدت به ارزش افزوده محصولات صنعتی - درصد (سال ۱۴۰۰ در مقایسه با متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱).....	۱۸
شکل ۹. نمودار روند و رشد ارزآوری صنایع به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰ (حقیقی) در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۹
شکل ۱۰. نمودار سهم ارزآوری از ارزش افزوده بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱.....	۱۹
شکل ۱۱. نمودار نسبت ارزآوری به ارزش افزوده محصولات صنعتی - درصد (سال ۱۴۰۰ در مقایسه با متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱).....	۲۰

## فهرست جدول

جدول ۱. شاخص‌های ارزبری و ارزآوری صنایع کشور بر اساس جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۵ بانک مرکزی.....	۲۲
--	----



## بررسی میزان ارزبری و ارزآوری زنجیره‌های ارزش صنعتی در ایران به تفکیک رشته فعالیت

### چکیده



در دهه‌های اخیر، رویکرد نظام حکمرانی صنعتی و سوگیری سیاستگذاری‌ها در این حوزه به نحوی تنظیم شده است که مزیت صادراتی در بخش‌های مشخصی از زنجیره‌های ارزش صنعتی – که در مراحل میانی و بعضاً ابتدایی سطح ارزش افزوده قرار دارند – ایجاد و متمرکز شوند. به عبارت دیگر جایگاه ایران در مبادلات جهانی و نقطه ورود آن به زنجیره‌های ارزش بین‌المللی، منجر به شکل‌گیری مزیت‌های صادراتی در برخی از صنایع کشور از جمله صنایع معدنی و پتروشیمی شده است. از سوی دیگر سیاست‌های اتخاذ شده، منجر به شکل‌گیری دسته‌ای دیگر از صنایع در ایران شده است که ارزآوری زیادی برای کشور ندارند، اما اهمیت آنها در تعادل شکل گرفته فعلی – در نتیجه نوع رویکردهای سیاستی اعمال شده توسط مجموعه سیاستگذاران – به دلیل سایر شاخص‌ها و پارامترهاست، مواردی از جمله اشتغال‌زایی و تأمین نیاز بازار داخلی. شناخت ساختار صنایع از این منظر می‌تواند در سیاستگذاری صنعتی بسیار کلیدی باشد. از این رو، هدف اصلی گزارش، شناخت ساختار بخش صنعت از منظر ارزآوری و ارزبری به منظور بهره‌برداری در سیاست‌گذاری صنعتی است.

بررسی‌های گزارش‌نشان می‌دهد که ارزبری کوتاه‌مدت در بخش صنعت از سال ۱۳۹۴ و به خصوص در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کاهش قابل توجهی داشته است؛ به نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل این کاهش، مشکلات عمده واردات و کاهش تولید ناشی از محدودیت‌های کرونا بوده است. با توجه به بحران‌های ارزی سال‌های دهه ۱۳۹۰ و مشکلات ناشی از تحریم، صنایع به تدریج خود را با شرایط جدید تطبیق داده‌اند. یافته‌های گزارش در خصوص ارزآوری صنایع نشان می‌دهد این شاخص برای کل بخش صنعت در طول دهه ۹۰، به رغم مشکلات مختلف به خصوص تحریم‌های اقتصادی روند ملایم صعودی داشته است.

## بیان / شرح مسئله

یکی از شاخص‌هایی که در سیاستگذاری صنعتی و اقتصادی در بخش صنعت به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، از جمله اقتصادهایی که تنوع درآمدهای ارزی کمتری نسبت به کشورهای صنعتی دارند مدنظر قرار دارد، میزان ارزآوری و نیز ارزبری صنایع مختلف است. منظور از ارزبری صنایع این است که چه میزان واردات (اعم از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیز کالاهای سرمایه‌ای) برای تولید کالاهای صنعتی انجام شده است. رویکرد نظام حکمرانی صنعتی و سوگیری سیاستگذاری‌ها در این حوزه در دهه‌های اخیر به نحوی تنظیم شده است که مزیت صادراتی در بخش‌های مشخصی از زنجیره‌های ارزش صنعتی - که در مراحل میانی و بعضاً ابتدایی سطح ارزش افزوده قرار دارد - ایجاد و متمرکز شود. به عبارت دیگر جایگاه ایران در مبادلات جهانی و نقطه ورود آن به زنجیره‌های ارزش بین‌المللی، منجر به شکل‌گیری مزیت‌های صادراتی در برخی از صنایع کشور از جمله صنایع معدنی و پتروشیمی در کشور شده است. از سوی دیگر سیاست‌های اتخاذ شده منجر به شکل‌گیری دسته‌ای دیگر از صنایع در ایران شده است که ارزآوری زیادی برای کشور ندارند، اما اهمیت آنها در تعادل شکل گرفته فعلی - در نتیجه نوع رویکردهای سیاستی اعمال شده توسط مجموعه سیاستگذاران - به دلیل سایر شاخص‌ها و پارامترهاست، مواردی از جمله اشتغال‌زایی، تأمین نیاز بازار داخلی و امثال آن.

سؤال این است که ساختار فعلی صنعت چه میزان ارزبری و چه میزان ارزآوری دارد؟ در ۱۵ سال اخیر اقتصاد ایران چند شوک ارزی را تجربه کرده است. این شوک‌ها بر صنایع مختلف تأثیر گذار بوده، اما میزان و شدت تأثیرگذاری این شوک‌ها بر صنایع به یک میزان نبوده است. برخی از صنایع از افزایش نرخ ارز نفع برده‌اند و برخی از صنایع از این وضعیت زیان دیده‌اند. در ادبیات سیاست صنعتی، سیاستگذاری نرخ ارز هم می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای سیاست صنعتی مورد نظر قرار گیرد و ادبیات نرخ ارز تعادلی صنعت در همین بستر توسعه پیدا کرده است. همچنین، یکی از نیازهای سیاستگذاری این است که مشخص شود تفاوت بین صنایع از منظر ساختار درآمد و هزینه‌های ارزی چگونه است. شناخت ساختار صنایع از این منظر می‌تواند در سیاستگذاری صنعتی بسیار کلیدی باشد. از این رو، هدف اصلی این گزارش، شناخت ساختار بخش صنعت از منظر ارزآوری و ارزبری به منظور بهره‌برداری در سیاستگذاری صنعتی است.

## نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

همان‌طور که قبلاً بیان شد منظور از ارزبری صنایع این است که هر یک از صنایع ایران، با مجموعه بخش صنعت، چه میزان واردات (اعم از مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و نیز کالاهای سرمایه‌ای) برای تولید کالاهای صنعتی انجام داده‌اند که در دو بُعد کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی می‌شود. برای نشان دادن ارزبری کوتاه‌مدت می‌توان از وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای استفاده کرد و میزان ارزبری بلندمدت را نیز می‌توان با وابستگی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات نشان داد. تفاوت این دو نوع ارزبری در این است که در ارزبری کوتاه‌مدت، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارج از کشور تهیه می‌شود و در فرایند کوتاه‌مدت تولید مصرف می‌شوند، اما در ارزبری بلندمدت، ارزبری و مصرف ارز صنایع با هدف تولید، در یک افق بلندمدت صورت می‌گیرد، به این صورت که سرمایه و فناوری که عمری طولانی دارند و در چرخه تولید در هر بازه زمانی کوتاه (برای مثال یک سال) تنها درصدی از آنها مستهلک می‌شود، از خارج وارد شده و در خط تولید صنایع کشور نصب و استفاده می‌شوند.

بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که ارزبری کوتاه‌مدت در بخش صنعت از سال ۱۳۹۴ به خصوص در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کاهش قابل توجهی داشته است که به نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل این روند کاهشی، افزایش نرخ ارز حقیقی، مشکلات عمده واردات و کاهش تولید ناشی از محدودیت‌های کرونا بوده است. با توجه به بحران‌های ارزی سال‌های دهه ۱۳۹۰ و برخی از مشکلات ناشی از تحریم، صنایع به تدریج خود را با شرایط جدید تطبیق داده‌اند.

مقایسه صنایع از نظر شاخص ارزبری کوتاه‌مدت به نسبت ارزش افزوده نشان می‌دهد که «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» بیشترین ارزبری را در بین صنایع کشور دارد. در رتبه بعدی، صنعت «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری» و سپس صنعت «تولید سایر تجهیزات حمل و نقل»، «تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی»، «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید تجهیزات برقی» قرار می‌گیرند.



عمده این صنایع، عمق تولید داخلی قابل توجهی ندارند و نزدیک به مونتاژ عمل می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود عمده ارزش در مراحل قبلی زنجیره ارزش در خارج از کشور تولید شود. شایان توجه است که این صنایع عمدتاً تحت تأثیر افزایش‌های ارز هم با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. مواردی از جمله ارتباطات ناقص آنها با سایر صنایع کشور سبب می‌شود به لحاظ مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیز فنی، وابستگی به زنجیره جهانی ارزش تولید محصولات خود را داشته باشند.

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که نسبت ارزشی صنایع بزرگ و مبتنی بر مزیت منابع طبیعی یا انرژی ارزان شامل: «تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی»، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» و «تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت» از سایر صنایع دیگر پایین‌تر است.

در خصوص ارزشی بلندمدت صنایع، یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که در دهه ۹۰ میزان ارزشی از کانال واردات کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات نرولی شده که این مهم بیانگر آن است که با توجه به اینکه صنعت ایران در بلندمدت برای تداوم فعالیت و رشد خود نیاز به ماشین‌آلات خارجی به‌عنوان یکی از مسیرهای انتقال فناوری جدید دارد که این موضوع باید به‌عنوان یک معضل پنهان در سیاستگذاری‌های صنعتی مدنظر قرار گیرد. بیشترین ارزشی بلندمدت در صنایع به‌ترتیب مربوط به صنایع «تولید منسوجات»، «تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی»، «تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی»، «تولید چوب و فرآورده‌های چوب و چوب‌پنبه» و «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو» است.

یافته‌های گزارش در خصوص ارزشی صنایع نشان می‌دهد که این شاخص برای کل بخش صنعت در طول دهه ۹۰، به‌رغم مشکلات مختلف و به‌خصوص تحریم‌های اقتصادی روند ملایم صعودی داشته است. به‌نظر می‌رسد که افزایش نرخ ارز حقیقی و جذابیت بیشتر درآمدهای ارزی باعث شده است تمایل صنایع کشور به افزایش سهم صادرات از ترکیب فروش افزایش یابد. در سطح رشته فعالیت‌های صنعتی میزان ارزشی صنایع مختلف در رشته فعالیت‌های «تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» و «تولید چرم و فرآورده‌های وابسته» و «تولید فلزات پایه» بیشتر از متوسط بخش صنعت و بالاتر از نسبت ارزشی سایر صنایع بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که به غیر از صنعت «تولید چرم و فرآورده‌های وابسته به آن» که صنعتی کاربر بوده، صنایع بزرگ و سرمایه‌بر کشور که عمده مزیت آنها دسترسی به منابع معدنی و نیز انرژی است و از سوی دیگر در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند، ارزشی بالاتری نیز از سایر صنایع کشور دارند.

کمترین نسبت ارزشی کشور در صنایعی است که عمدتاً در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند که به‌ترتیب عبارتند از: «تولید مبلمان»، «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری»، «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تولید انواع آشامیدنی‌ها» و «تولید سایر وسایل حمل‌ونقل».

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که اگر صنایع از نظر شاخص خالص ارزشی با یکدیگر مقایسه شوند، به‌ترتیب «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی»، «تولید فرآورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)»، «تولید قالی و قالیچه»، «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو (سیگار)» و «فراوری و نگهداری گوشت، ماهی، میوه و سبزیجات» بیشترین ارزشی خالص را در صنایع کشور دارند. در مقابل، صنایع «تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی»، «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی» و «تولید سایر مصنوعات» بالاترین ارزشی خالص را در بین صنایع کشور دارند.

با توجه به اینکه تخصیص ارز به رشته فعالیت‌های مختلف صنعت به‌صورت غیربازاری صورت می‌گیرد پیشنهاد می‌شود در تعیین نحوه تخصیص ارز به صنایع کشور به این شاخص‌ها نیز توجه شود و مسئله تراز ارزی صنایع مورد توجه قرار گیرد. در واقع باید توجه کرد که در سازوکار جدید تنها خالص ارزشی صنایع اهمیت ندارد و باید سایر ملاحظات نظیر انواع حمایت‌های انرژی، دسترسی به گاز و برق ارزان، اشتغال‌زایی و زنجیره‌های ارزش نیز باید در تعیین اولویت تخصیص ارز مدنظر قرار گیرد.

## ۱. مقدمه

بخش صنعت (ساخت) به‌عنوان محرک اصلی توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر توسعه بخش صنعت می‌تواند موجب سودآوری برای سایر بخش‌های اقتصاد شود. زیرا بخش‌های خدمات و کشاورزی رابطه تنگاتنگی با بخش صنعت دارند. بنابراین، در صورت بهبود زیرساخت‌ها و تقویت بخش صنعت، سایر بخش‌های اقتصادی کشور نیز متأثر از آن می‌توانند توان رقابتی خود را در سطح بین‌المللی افزایش دهند و این جریان در طول زمان می‌تواند به افزایش درآمدهای ناشی از صادرات بخش‌های با ارزش افزوده بالا در کشور منتهی شود [۲].

از دهه ۱۹۷۰ میلادی در ادبیات توسعه و تجارت بین‌الملل بر نقش صنعت و به‌خصوص صنایع ساخت‌محور در رشد اقتصادی و همچنین نقش مثبت رویکردهای صادرات‌محور در این فرایند تأکید می‌شود. در این راستا، برخلاف راهبرد جایگزینی واردات، راهبرد توسعه و گسترش صادرات محصولات صنعتی با ارزش افزوده بالا، به‌عنوان راهبرد مناسب صنعتی شدن و تحریک رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه به‌صورت گسترده‌تری نسبت به دوره‌های پیش از آن، در محافل اقتصادی تجویز شد [۳]. جای تأمل دارد که در خصوص ایران هر چند توسعه صادرات را ادبیات تجویز کرده، ولی دلایلی تحمیلی از جنس اقتصاد سیاسی بین‌الملل مانع از تحقق کامل آن شده است.

بخش عمده‌ای از مشکلات کشورهای در حال توسعه، تمرکز بالای اقلام صادراتی آنها در چند مورد محدود عمدتاً مبتنی بر منابع طبیعی (مانند نفت، زغال سنگ و محصولات کشاورزی) است که در بلندمدت موجب بی‌ثباتی درآمدهای ارزی شده و در نهایت امکان و پتانسیل رشد پایدار اقتصادی کشور را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد، ضمن اینکه از نظر راهبرد امنیت اقتصادی نیز باعث کاهش توان تاب‌آوری نظام اقتصادی شده و آسیب‌پذیری کشور را افزایش می‌دهد. از این رو، به‌نظر می‌رسد که افزایش تنوع درآمدهای ارزی از طریق توسعه صادرات، به‌ویژه صادرات صنعتی، از راهبردهای اصلی توصیه شده برای کشورهای در حال توسعه است که در ادبیات اقتصادی بر آن تأکید می‌شود. چنانچه یک کشور از طریق ترکیب صحیح و متنوعی از کالاهای صادراتی بتواند سبد صادراتی خود را متنوع‌تر کند، امکان تأثیرپذیری منابع ارزی کشور از نوسانات قیمت جهانی محصولات مانند نفت و زغال سنگ، به‌واسطه صادرات سایر کالاهای موجود در سبد صادراتی، کاهش می‌یابد.

بر همین اساس، رویکرد شرح داده شده در راستای متنوع‌سازی صادرات و افزایش سهم صادرات صنعتی از سبد صادراتی، در کشورهایی مانند ایران که در زمره اقتصادهای دارای تنوع صادراتی نسبتاً پایین طبقه‌بندی می‌شوند، به‌عنوان عامل ضربه‌گیر در مقابل شوک‌های خارجی از جمله تحریم‌های اقتصادی عمل کرده و موجب تثبیت رشد اقتصادی می‌شود. زیرا همان‌گونه که پیشتر به آن پرداخته شد، در صورتی که تنوع صادرات با تولید کالاهای گوناگون و در بخش‌های مختلف اقتصاد به‌خصوص بخش‌های صنعتی همراه باشد، موجب بهبود رابطه مبادله (نسبت قیمت کالاهای صادراتی به وارداتی) از یک سو و کاهش نوسانات درآمدهای صادراتی از سوی دیگر می‌شود. درحقیقت تنوع سبد صادراتی کشور ریسک را کاهش داده و درآمد ارزی با ثبات را به‌ارمغان می‌آورد [۴]. دلیل این امر این است که ایجاد تنوع صادراتی مستلزم تکمیل زنجیره تولید و صادرات کشور از مواد اولیه در بالادست



به محصولات میانی و انتهایی زنجیره‌های تولید است که در هر مرحله بخشی از ارزش افزوده به آن اضافه می‌شود و این موضوع سبب افزایش ارزش هر تن کالای تولیدی و صادراتی نسبت به ماده اولیه می‌شود. برای مثال، اگر سبب صادراتی یک کشور متمرکز بر استخراج و صادرات منابع معدنی است، با تکمیل زنجیره و صادرات مواد ساخته شده از آن ماده معدنی (مانند تولید محصولات فلزی به جای سنگ معدن)، ارزش بیشتری به‌ازای هر تن صادرات برای کشور حاصل می‌شود که این به معنای افزایش ارزش سبب صادراتی آن کشور است و در صورت توسعه صنایع پایین دست بارشد بهره‌وری متوسط بالاتر از میانگین جهانی، رابطه مبادله بهبود پیدا می‌کند.

در ایران صنایع مختلفی در حال فعالیت هستند که هر یک سابقه نسبتاً طولانی از فعالیت اقتصادی را دارند. با این حال، این صنایع از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند، اعم از جایگاه در زنجیره ارزش، سطح فناوری، مقیاس، کاربر یا سرمایه‌بر بودن، میزان وابستگی به واردات، میزان اشتغال‌زایی و سایر پارامترها. از این رو، سیاستگذار اقتصادی به هر یک از صنایع براساس ویژگی‌های متفاوت ذاتی و منحصر به فرد آن، نگاه یکسانی ندارد و بر مبنای شاخص‌های مختلف برای آنها سیاستگذاری می‌کند. یکی از شاخص‌هایی که در سیاستگذاری صنعتی و اقتصادی در بخش صنعت به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، از جمله اقتصادهایی که تنوع درآمدهای ارزی کمتری نسبت به کشورهای صنعتی دارند مدنظر قرار دارد، میزان ارزآوری و نیز ارزبری صنایع مختلف است. در حقیقت، صنایع مختلف از منظر پتانسیل نسبی بالقوه و بالفعل میزان ارزآوری با یکدیگر تفاوت دارند. رویکرد نظام حکمرانی صنعتی و سوگیری سیاستگذاری‌ها در این حوزه در دهه‌های اخیر به نحوی تنظیم شده است که مزیت صادراتی در بخش‌های مشخصی از زنجیره‌های ارزش صنعتی - که در مراحل میانی و بعضاً ابتدایی سطح ارزش افزوده قرار دارد - ایجاد و متمرکز شود. به عبارت دیگر جایگاه ایران در مبادلات جهانی و نقطه ورود آن به زنجیره‌های ارزش بین‌المللی، منجر به شکل‌گیری مزیت‌های صادراتی در برخی از صنایع کشور از جمله صنایع معدنی و پتروشیمی در کشور شده است. از سوی دیگر سیاست‌های اتخاذ شده منجر به شکل‌گیری دسته‌ای دیگر از صنایع در ایران شده است که ارزآوری زیادی برای کشور ندارند، اما اهمیت آنها در تعادل شکل گرفته فعلی - در نتیجه نوع رویکردهای سیاستی اعمال شده توسط مجموعه سیاستگذاران - به دلیل سایر شاخص‌ها و پارامترهاست، مواردی از جمله اشتغال‌زایی، تأمین نیاز بازار داخلی و امثال آن.

این دسته از صنایع ممکن است ارزآوری زیادی نداشته باشند، اما از آنجاکه در صورت عدم وجود آنها باید نیازهای داخلی از طریق واردات تأمین می‌شد، به صورت پنهان، عامل صرفه‌جویی بخشی از درآمد ارزی کشور هستند. مثال بارز این موضوع، صنایع خودروسازی و قطعات آن است که به‌رغم مشکلات ساختاری موجود در این صنعت، در صورت فقدان آن، بخشی از درآمد ارزی، صرف تأمین نیاز واردات خودروی مورد نیاز بازار می‌شد. اینکه آیا به لحاظ اقتصادی منافع این نوع صنایع در مقایسه با هزینه‌های مختلفی که ایجاد می‌کنند قابل قبول است یا خیر، نیازمند یک بررسی همه‌جانبه از منظر اقتصادی و سایر پارامترهای اجتماعی و سیاسی بوده که فراتر از تمرکز این گزارش است.

موضوع دیگری که باید در کنار ارزآوری صنایع مورد بررسی قرار گیرد، ارزبری صنایع است. یک صنعت که درآمد ارزی قابل قبولی دارد، ممکن است نیاز قابل توجهی نیز به واردات داشته باشد که این موضوع سبب ارزبری آن می‌شود. سؤال محوری این است که آیا یک صنعت خاص و کل بخش صنعت به صورت عام در مقابل تقاضایی که برای تأمین ارز ایجاد می‌کند، قادر به خلق درآمد ارزی مناسب نیز است؟ به صورت مشخص، آیا به صورت خالص درآمد ارزی (یا تراز ارزی) آن صنعت مثبت بوده است یا منفی؟ اگرچه این تنها یکی از شاخص‌های مدنظر در سیاستگذاری صنعتی است که باید در کنار شاخص‌های دیگر به آن توجه کرد، اما با توجه به مشکلاتی که کشور در زمینه نوسانات بازار ارز به خصوص در دهه ۱۳۹۰ با آن روبه‌رو شد، توجه به این شاخص می‌تواند یکی از ارکان مهم سیاستگذاری صنعتی باشد. در کنار آن، این شاخص به ما می‌گوید که در تعادل فعلی شکل گرفته ناشی از نوع سیاستگذاری‌های صنعتی در کشور، تکمیل زنجیره‌های ارزش در کدام گروه از صنایع می‌تواند در مجموع خالص ارزآوری را مثبت‌تر کند. به بیان دیگر، می‌توان براساس این شاخص تجویز کرد که اگر هدف ارزآوری بیشتر باشد، بهتر است کدام صنایع مورد حمایت باشند که ارزآوری بیشتری برای اقتصاد ایران ایجاد کنند.

به‌طور کلی به‌منظور بررسی ارزآوری و ارزبری صنایع کشور می‌توان از دو رویکرد کلی استفاده کرد:

**رویکرد اول**، استفاده از آمارهای کارگاه‌های صنعتی است که همه‌ساله از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود.

**رویکرد دوم**، استفاده از جداول داده - ستانده ملی است که در آن میزان واردات برای تولید، صادرات و سایر اطلاعات مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل ارزآوری و ارزبری صنایع کشور قابل بررسی است.

در گزارش حاضر از هر دو رویکرد استفاده شده است.

## ۲. بررسی میزان ارزآوری و ارزبری صنایع کشور بر مبنای آمار کارگاه‌های صنعتی

همان‌طور که در مقدمه گزارش بیان شد، بررسی میزان ارزآوری و ارزبری صنایع کشور می‌تواند با دورویکرد استفاده از آمارهای کارگاه‌های صنعتی و همچنین رویکرد جدول داده - ستانده انجام شود. در این بخش با بررسی واردات و صادرات کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، ارزآوری و ارزبری صنایع کشور در مجموع و نیز بر حسب رشته فعالیت‌های صنعتی بررسی شده است. در ادامه بررسی ارزبری صنایع بر اساس اطلاعات کارگاه‌های صنعتی صورت گرفته است.

### ۲-۱. بررسی شاخص‌های ارزبری صنایع ایران

منظور از ارزبری صنایع این است که هر یک از صنایع ایران، یا مجموعه بخش صنعت، چه میزان واردات (اعم از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیز کالاهای سرمایه‌ای) برای تولید کالاهای صنعتی انجام داده‌اند. از آنجا که مصرف ارزی هر یک از صنایع عمدتاً به صورت واردات است، این شاخص، معیار تقریبی مناسبی برای ارزبری صنایع خواهد بود، هر چند مصارف دیگر ارزی نیز می‌توان برای صنایع کشور اعم از مصارف مربوط به خدمات حمل‌ونقل خارجی و بیمه خارجی متصور بود، اما از آنجا که آمار سازمان یافته‌ای برای این موارد به تفکیک صنایع و یا بر حسب ارز خارجی و پول ملی وجود ندارد، لذا احتمالاً شاخص‌های مبتنی بر واردات به هر حال دچار خطای نسبی خواهند بود، اما به نظر می‌رسد که این خطا به صورت ضریبی از میزان واردات صنایع است و با بزرگ و کوچک شدن واردات این مصارف نیز کوچک و بزرگ می‌شوند. برای مثال، خدمات حمل‌ونقل و بیمه با میزان واردات متناسب هستند و لذا به نظر می‌رسد که این خطا در مسیر مقایسه سطح ارزبری صنایع مختلف در ایران، قابل چشم‌پوشی است. در ادبیات اقتصادی وابستگی به واردات<sup>۱</sup> یا ارزبری به مفهوم میزان وابستگی تولیدات داخل، به واردات تجهیزات، خدمات و قطعات و مواد اولیه مورد نیاز در فرایند تولید است و نرخ وابستگی به واردات را به عنوان نسبت مواد خام وارداتی مصرف شده به ارزش تولید یک صنعت تعریف می‌کنند که به صورت درصدی بیان می‌شود [۱].

وابستگی به واردات از چند جنبه قابل بررسی است: از یک طرف نشان می‌دهد که صنایع داخلی ارتباطات پیشین بالایی با صنایع بالادست در سایر کشورها و به‌طور کلی بازار جهانی دارند. به عبارت دیگر بیانگر آن است که تا چه اندازه تولیدات یک کشور به تولیدات کشورهای دیگر و واردات وابسته است. هر چه نرخ وابستگی به واردات بیشتر باشد نشان‌دهنده آن است که سطح ارتباط با تولیدات در سایر کشورها بالا است. از سوی دیگر این موضوع نشان می‌دهد که حلقه‌های مرتبط با تولید در یک صنعت تا چه میزان در داخل تکمیل شده‌اند و تا چه میزان زنجیره ارزش تولیدات صنعتی ناقص و تکامل نیافته است. البته توجه به این نکته ضروری است که نه از نظر فنی و تکنولوژیک و نه از منظر اقتصادی امکان‌پذیر و حتی منطقی نیست که کل زنجیره ارزش تولیدات یک محصول (برای مثال خودرو، فلزات اساسی، دارو و مواد شیمیایی پوشاک و امثال آن) در داخل تکمیل شده و ارتباط آن با بازار جهانی از سمت نهاده‌های مورد نیاز قطع شود، بلکه لازم است بر اساس اهداف و رویکردهای استراتژی توسعه بر مبنای شرایط منحصر به فرد هر کشور، بخش‌هایی از زنجیره ارزش تولیدات صنعتی هدف‌گذاری و حرکت به سوی تقویت زیرساخت‌های مربوطه صورت پذیرد.

همان‌طور که توضیح داده شد، از مهم‌ترین شاخص‌های ارزبری صنایع کشور، بررسی میزان وابستگی به واردات صنایع است که در دو بُعد کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی می‌شود. برای نشان دادن ارزبری کوتاه‌مدت می‌توان از وابستگی به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای استفاده کرد و میزان ارزبری بلندمدت را نیز می‌توان با وابستگی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات نشان داد.<sup>۲</sup> تفاوت این دو نوع ارزبری در این است که در ارزبری کوتاه‌مدت، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارج از کشور تهیه می‌شود و در فرایند کوتاه‌مدت تولید مصرف می‌شوند، اما در ارزبری بلندمدت، ارزبری و مصرف ارز صنایع با هدف تولید در یک افق بلندمدت صورت می‌گیرد، به این صورت که سرمایه و فناوری که عمری طولانی دارند و در چرخه تولید در هر بازه زمانی کوتاه (برای مثال یک سال) تنها درصدی از آنها مستهلک می‌شود، از خارج وارد شده و در خط تولید صنایع کشور نصب و استفاده می‌شوند. از این رو، ماهیت این نوع مصارف ارزی از نوع کوتاه‌مدت آن متفاوت است. از این منظر، ممکن است در کوتاه‌مدت یک صنعت نیاز زیادی به نهاده‌های وارداتی نداشته باشد، اما در بلندمدت، فناوری آن صنعت نیازمند واردات باشد. وابستگی به واردات بلندمدت با توجه به ورود نهاده‌های سرمایه‌ای، فناوری و تکنولوژی تولید از مسیرهای سرریز دانش در افزایش تولید، ایجاد ارزش افزوده و رشد اقتصادی حائز اهمیت است.

#### 1. Import Dependency

۲. می‌توان از اصطلاحات دیگری نیز برای توصیف این دو مفهوم استفاده کرد، برای مثال ارزبری مصارف سرمایه‌ای، یا مصارف ارزی زیرساختی برای ارزبری بلندمدت و ارزبری مصارف جاری برای ارزبری کوتاه‌مدت.

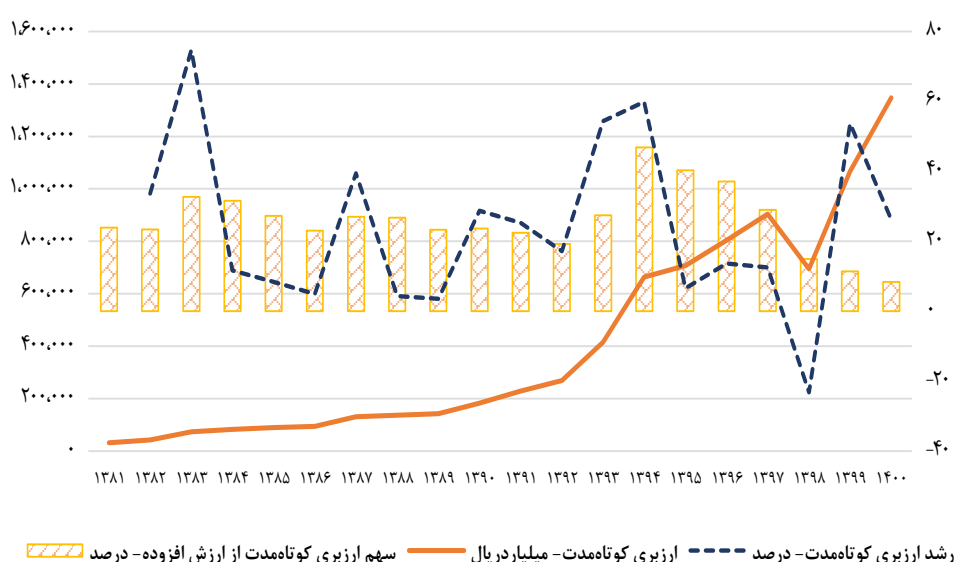


با توجه به این توضیحات، در ادامه این بخش، شاخص‌های ارزیابی کوتاه‌مدت صنایع کشور شامل: روند و میزان رشد ارزش جاری و حقیقی مواد خام و اولیه، لوازم بسته‌بندی، ابزار و وسایل کار کم‌دوام خارجی و نسبت آن به ارزش افزوده بر حسب کل بخش صنعت و نیز بر حسب رشته فعالیت‌های صنعتی به‌عنوان معیاری از وابستگی کوتاه‌مدت بخش صنعت به واردات و یا ارزیابی کوتاه‌مدت تشریح شده است. پس از آن ارزیابی بلندمدت صنایع با استفاده از شاخص‌هایی شامل روند و میزان رشد ارزش جاری و حقیقی خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی تحلیل شده است.

### ۱-۲. ارزیابی کوتاه‌مدت

همان‌طور که قبلاً اشاره شد ارزش مواد خام و اولیه، لوازم بسته‌بندی، ابزار و وسایل کار کم‌دوام خارجی و نسبت آن به ارزش افزوده، معیاری از وابستگی کوتاه‌مدت بخش صنعت به واردات و یا ارزیابی کوتاه‌مدت است. برای محاسبه این شاخص‌ها از میلیارد ریال استفاده شده است. در این بخش، ارزیابی کوتاه‌مدت به نسبت ارزش افزوده و همچنین رشد ارزیابی کوتاه‌مدت بر حسب درصد محاسبه شده است. بر اساس شکل (۱) روند ارزیابی کوتاه‌مدت بخش صنعت بر مبنای آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر و رشد آن و همچنین سهم ارزیابی کوتاه‌مدت به ارزش افزوده برای کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۸۱ نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است سهم ارزیابی کوتاه‌مدت به‌رغم افزایش ارزش مواد اولیه خارجی از سال ۱۳۹۴ و به‌خصوص در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کاهش قابل توجهی داشته است. شایان توجه است که رشد ارزیابی کوتاه‌مدت در صورت کسر کمتر از رشد ارزش افزوده در مخرج کسر بوده است. یعنی ارزش افزوده اسمی بیشتر افزایش یافته، ولی این در حالی است که رشد ارزش افزوده واقعی صنایع نیز کاهش یافته و ناشی از افزایش شدید قیمت‌هاست. رشد روند ارزیابی نیز از سال ۱۳۹۴ کاهش شده است و ارزش ارزیابی صنایع با روند کاهنده افزایش یافته و در سال ۱۳۹۸ با رشد ۲۳- درصد مواجه شده است که به‌نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل این کاهش مشکلات عمده واردات و کاهش تولید ناشی از محدودیت‌های کرونا بوده است. در واقع، این پدیده لزوماً معنای مثبتی ندارد، چراکه کاهش ارزیابی در کوتاه‌مدت لزوماً ناشی از تکمیل زنجیره‌های ارزش نبوده است. کاهش ارزیابی کوتاه‌مدت به‌نوعی نشان‌دهنده کاهش دسترسی صنایع به واردات به دلایل مختلف بوده است.

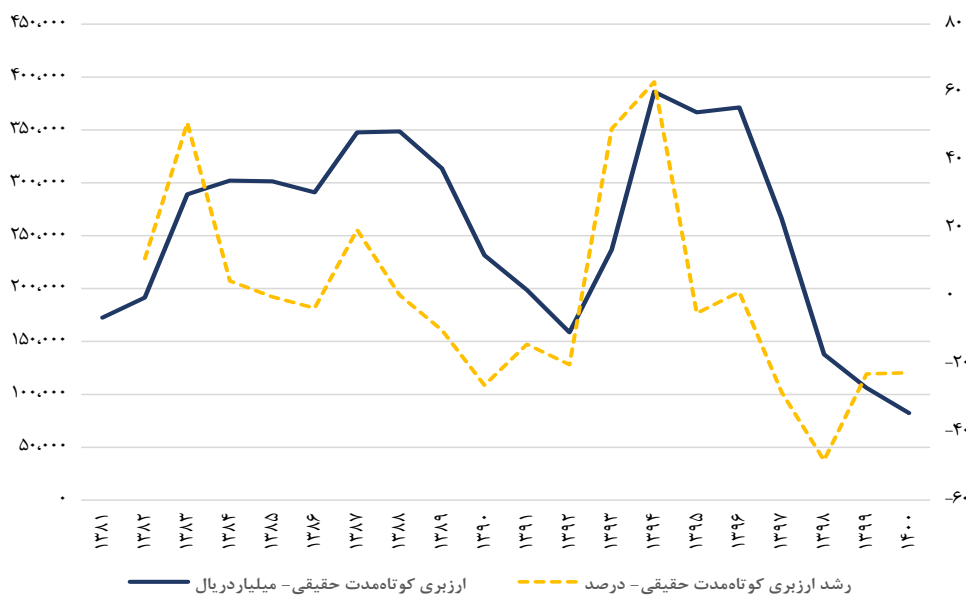
شکل ۱. نمودار روند و رشد ارزیابی کوتاه‌مدت بخش صنعت و سهم آن از ارزش افزوده در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱ [۵]



توضیحات: محور سمت راست نشان‌دهنده ارزیابی کوتاه‌مدت به نسبت ارزش افزوده و همچنین رشد ارزیابی کوتاه‌مدت بر حسب درصد است. محور سمت چپ نشان‌دهنده ارزش ارزیابی کوتاه‌مدت بر حسب میلیارد ریال است.

با توجه به اینکه در شکل (۱) ارزش جاری مصارف ارزی صنایع در کنار نسبت ارزی ترسیم شده است، لذا آثار تورم و نوسانات نرخ ارز نیز در آن وجود دارد. بنابراین لازم است تا برای خارج کردن اثر تورم، ارزش حقیقی آن را در نظر گرفت، از این رو در شکل (۲) روند و رشد ارزیابی حقیقی<sup>۱</sup> برای کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، برای دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۸۱ نشان داده شده است. ارزش حقیقی ارزیابی صنایع از سال ۱۳۹۴ به شدت کاهش یافته و تا سال ۱۴۰۰ رشد منفی داشته است. این در حالی است که سهم مواد خام و اولیه خارجی از ارزش افزوده کل بخش صنعت نیز از سال ۱۳۹۴ کاهشی بوده است (شکل ۳) و این کاهش ناشی از کاهش ارزش حقیقی واردات مواد خام و اولیه است. در واقع صنعت کشور در کوتاه‌مدت ارزیابی حقیقی کمتری داشته است که نشان می‌دهد صنایع کشور با توجه به سخت‌تر شدن دسترسی به ارز با توجه به بحران‌های ارزی دهه ۱۳۹۰ و مشکلات ناشی از تحریم، به تدریج خود را با شرایط جدید تطبیق داده‌اند.

شکل ۲. نمودار روند و رشد ارزش حقیقی ارزیابی کوتاه‌مدت بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱<sup>۱</sup> [۵]



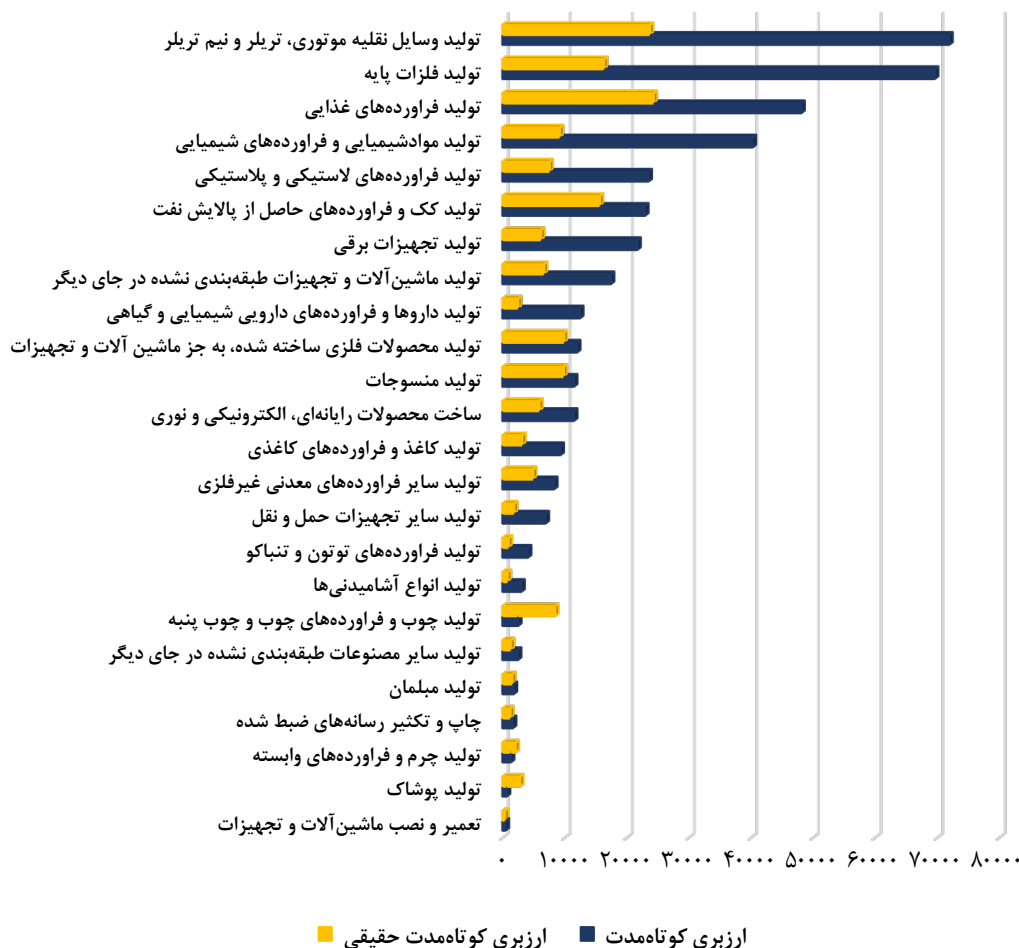
به منظور بررسی مصارف ارزی کوتاه‌مدت در رشته فعالیت‌های صنعتی، ارزیابی کوتاه‌مدت جاری و حقیقی به تفکیک فعالیت‌های فعالیت صنعتی در شکل (۳) نشان داده شده است. «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تولید فلزات پایه»، «تولید فراورده‌های غذایی»، «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی»، «تولید فراورده‌های لاستیکی و پلاستیکی» و «تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت» به ترتیب بیشترین ارزیابی کوتاه‌مدت را داشته‌اند.

«تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات»، «تولید پوشاک»، «تولید چرم و فراورده‌های وابسته»، «چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده»، «تولید مبلمان» کمترین میزان ارزیابی را به صورت متوسط در دوره ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰ داشته است.

۱. برای به دست آوردن ارقام حقیقی، از شاخص ضمنی تعدیل‌کننده ارزش افزوده رشته فعالیت‌های صنعتی به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰ استفاده شده که از طریق حساب‌های ملی مرکز آمار ایران قابل دسترسی است.  
 ۲. محور سمت راست نشان‌دهنده رشد ارزیابی کوتاه‌مدت حقیقی بر حسب درصد است. محور سمت چپ نشان‌دهنده ارزش ارزیابی کوتاه‌مدت حقیقی بر حسب میلیارد ریال است.



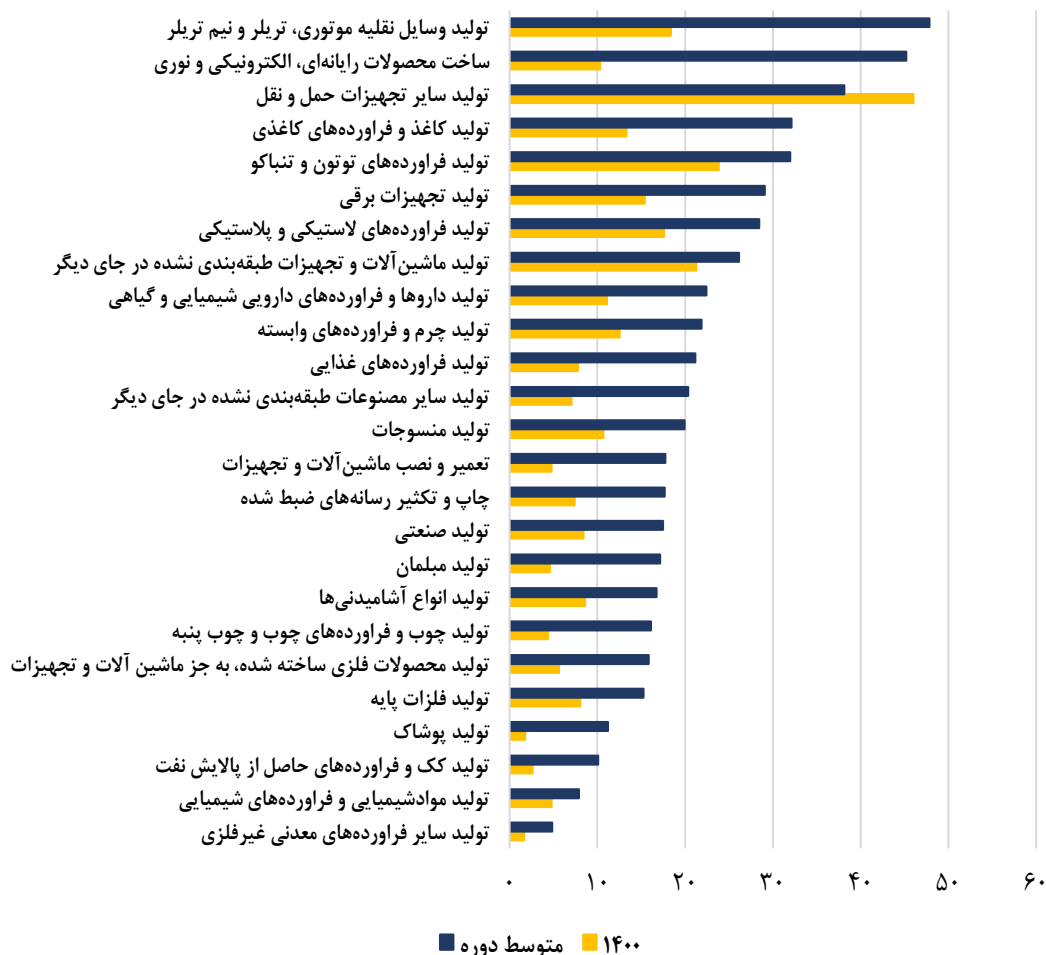
شکل ۳. نمودار ارزش جاری و حقیقی ارزشی کوتاه‌مدت به تفکیک فعالیت‌های صنعتی - میلیاردریال (متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱) [۵]



نسبت مصارف ارزی کوتاه‌مدت به ارزش افزوده محصولات صنعتی به تفکیک فعالیت‌های صنعتی برای تمام رشته فعالیت‌های صنعتی برای متوسط دوره ۱۳۸۱-۱۴۰۰ و همچنین سال ۱۴۰۰ (به عنوان آخرین سالی که آمار آن منتشر شده است) در شکل (۴) نشان داده شده است. در دوره مورد مطالعه، میزان ارزشی کوتاه‌مدت برای ایجاد ارزش افزوده در کل رشته فعالیت‌های صنعتی در سال ۱۴۰۰ کمتر از متوسط دوره بوده است که حکایت از تطبیق صنایع با محدودیت‌های ناشی از شرایط سخت تر بازار ارز و محدودیت‌های ناشی از تحریم و واردات دارد. مقایسه صنایع از نظر شاخص ارزشی کوتاه‌مدت به نسبت ارزش افزوده نشان می‌دهد که «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر» بیشترین ارزشی را در بین صنایع کشور دارد. این موضوع نشان می‌دهد که حساسیت صنایع خودرو در ایران به نوسانات بازار ارز بالاتر از سایر صنایع است. با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم و تمرکز تحریم‌ها بر این صنعت به عنوان یکی از صنایع هدف تحریم‌کنندگان کشور، این وابستگی بالا به نهاده‌های وارداتی نشان می‌دهد که چرا صنعت خودروی کشور در سال‌های تحریم با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود. در رتبه بعدی، صنعت «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری» و سپس صنعت «تولید سایر تجهیزات حمل و نقل»، «تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی»، «تولید فراورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید تجهیزات برقی» قرار می‌گیرند. عمده این صنایع عمق تولید داخل قابل توجهی ندارند و نزدیک به مونتاژ عمل می‌کنند. لذا انتظار می‌رود عمده ارزش در مراحل قبلی زنجیره ارزش در خارج از کشور تولید شود. شایان توجه است که این صنایع عمدتاً تحت تأثیر افزایش‌های ارز هم با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. مواردی از جمله ارتباط ناقص آنها با سایر صنایع کشور سبب می‌شود به لحاظ مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیز فنی وابستگی به زنجیره جهانی ارزش تولید محصولات خود را داشته باشند.

در مقابل این صنایع، نسبت ارزبری صنایع بزرگ و مبتنی بر مزیت منابع طبیعی یا انرژی ارزان شامل: «تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیر فلزی»، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» و «تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت» در مقایسه با سایر صنایع دیگر کمتر است. این موضوع نشان می‌دهد که این صنایع با توجه به اینکه بخش عمده مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خود را از داخل کشور (با توجه به مزیت‌های معادن و نیز انرژی در کشور) تأمین می‌کنند، در کوتاه‌مدت وابستگی کمتری به واردات و به تبع آن ارزبری پایین‌تری دارند. وجه مشترک این صنایع این است که همه آنها در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند. در رتبه‌های بعدی نیز «صنایع تولید پوشاک» و صنایع «تولید فلزات پایه» قرار دارند که به غیر از صنعت پوشاک، تولید فلزات پایه نیز از منظر جایگاه در زنجیره ارزش و نوع مزیت‌های رقابتی وضعیتی شبیه به صنایع شیمیایی و پالایشگاهی کشور دارد.

شکل ۴. نمودار نسبت ارزبری کوتاه‌مدت از ارزش افزوده محصولات صنعتی - در صد (سال ۱۴۰۰ در مقایسه با متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱) [۵]



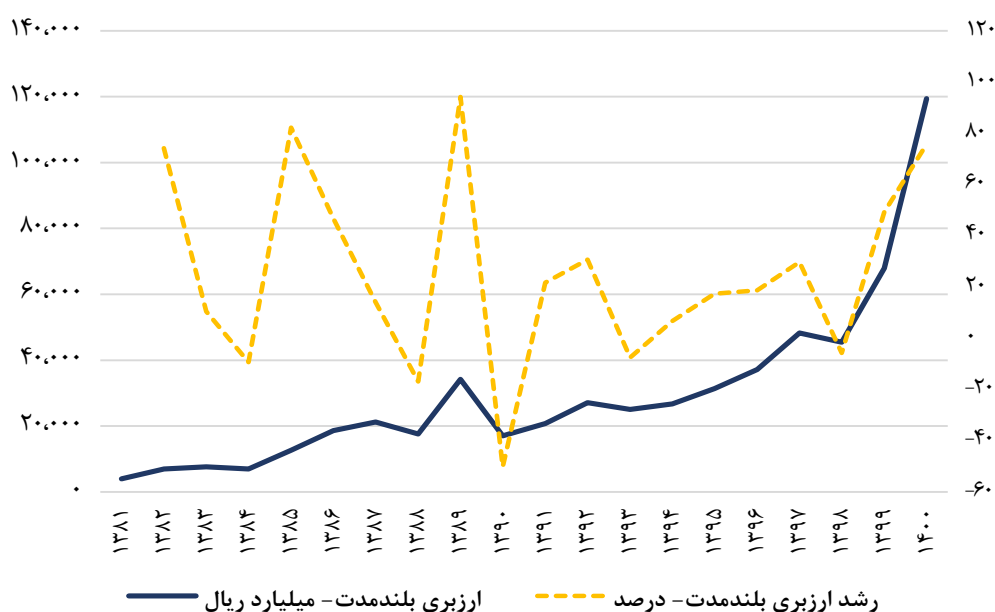
## ۲-۱-۲. ارزبری بلندمدت

همان‌طور که بیان شد، ارزبری در بلندمدت بیشتر ناظر بر وابستگی به واردات فناوری و کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات است. از این رو، ممکن است صنایع بزرگ کشور که در کوتاه‌مدت ارزبری بالایی ندارند، اما در بلندمدت به دلیل پیچیدگی تجهیزات و فناوری‌های تولید آنها، وابستگی ارزی بالایی داشته باشند که عدم توجه به آنها سبب غفلت از یک نیاز ارزی در بلندمدت خواهد شد؛ غفلت از این موضوع می‌تواند روند سرمایه‌گذاری جهت توسعه و نوسازی این صنایع را با مشکل روبه‌رو کند.



به منظور بررسی ارزش‌های بلندمدت صنایع کشور روند کلی و وضعیت رشد ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی به قیمت جاری و همچنین به قیمت ثابت (حقیقی) در شکل‌های (۵ و ۶) نشان داده شده است. علاوه بر آن، نسبت ارزش‌های بلندمدت به ارزش افزوده نیز در شکل (۷) آورده شده است. همان‌طور که مشخص است ارزش جاری ارزش بلندمدت در طول سال‌های دهه ۹۰ افزایش یافته که این موضوع عمدتاً ناشی از افزایش نرخ تأمین و تعدیل ارز، در بازه‌های مختلف زمانی و افزایش ارزش ریالی نیازهای ارزی بلندمدت صنایع کشور است، به طوری که این رقم (نسبت به قیمت جاری) تا سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۳۰۰ درصد رشد داشته است.

شکل ۵. نمودار روند ارزش‌های بلندمدت بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱ [۵]

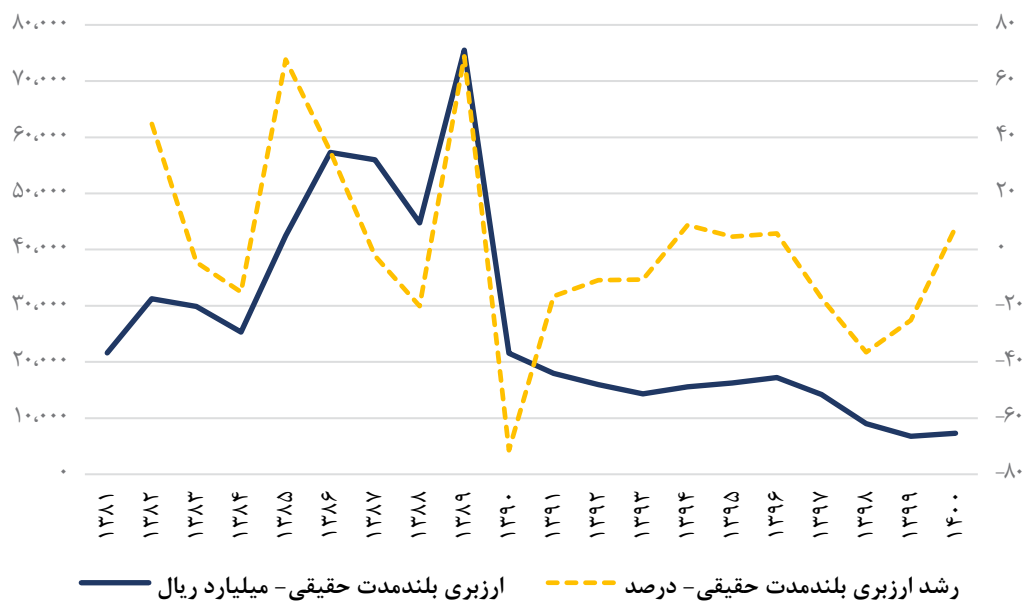


با توجه به نوسانات نرخ ارز و تأثیر آنها بر ارقام جاری ارزش‌های بلندمدت، بررسی روند و همچنین رشد ارزش‌های بلندمدت حقیقی اطلاعات مفیدتری در خصوص وضعیت و روند تغییر ارزش‌های بلندمدت فراهم می‌کند. همان‌طور که از شکل (۶) مشخص است روند حقیقی ارزش‌های بلندمدت از سال ۱۳۸۹ به بعد با شدت نسبتاً بالایی کاهش یافته است. در واقع در طول سال‌های دهه ۱۳۹۰، میزان ارزش‌های بلندمدت از کانال واردات کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات نزولی شده است. این مهم، بیانگر آن است سطح سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۹۷ و پس از آن روندی نزولی داشته و رشد آن نیز در کل دهه ۱۳۹۰ بسیار پرنوسان بوده و ارزش‌های بلندمدت هم کاهش پیدا کرده و رشد ارزش‌های بلندمدت حقیقی صنعت هم کاهش یافته است، صنعت ایران در بلندمدت برای تداوم فعالیت و رشد خود نیاز به ماشین‌آلات خارجی به عنوان یکی از مسیرهای انتقال فناوری جدید نیاز دارد که این موضوع باید به عنوان یک معضل پنهان در سیاست‌گذاری‌های صنعتی مدنظر قرار گیرد.<sup>۱</sup>

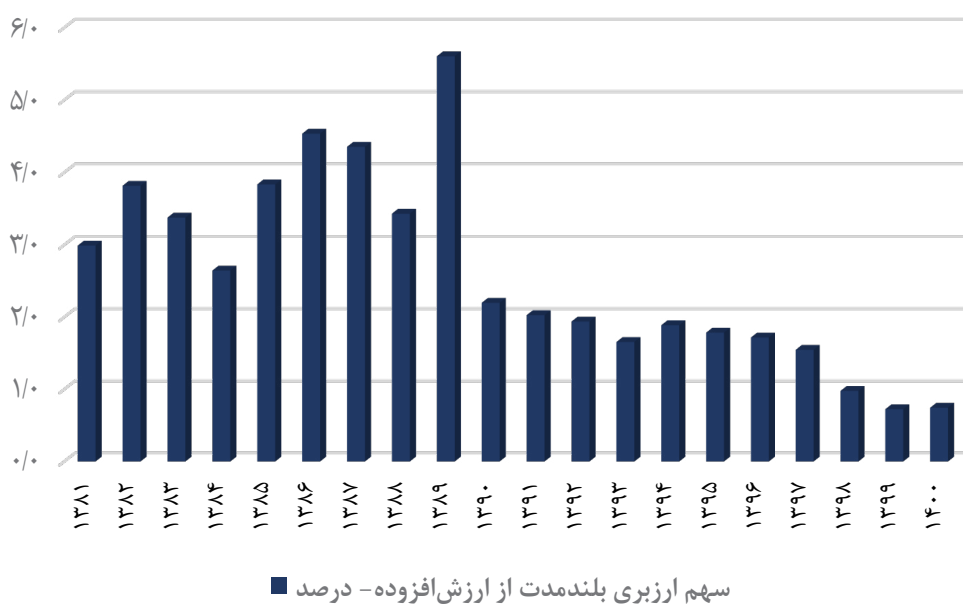
شکل (۷) با نشان دادن نسبت ارزش‌های بلندمدت به ارزش افزوده و روند کاهشی آن، گویای تقاضای کمتر صنایع کشور به ماشین‌آلات و تجهیزات وارداتی (به عنوان یکی از مسیرهای مهم انتقال فناوری صنعتی به کشور) دارد که می‌تواند در آینده نزدیک، وضعیت زیرساخت‌های تولید و رقابت‌پذیری صنایع کشور مخصوصاً از منظر فناوری را با مشکلاتی بیش از سطح فعلی روبه‌رو کند. کاهش نسبت ارزش‌های بلندمدت صنایع کشور با توجه به محدودیت‌هایی با ریشه‌های عمدتاً خارجی اعم از شوک‌های ناشی از درآمدهای صادراتی، ارزی و تحریم‌های اقتصادی و همچنین مشکلات و بی‌ثباتی‌های بازار ارز در کشور در دهه ۱۳۹۰ قابل درک است.

۱. به منظور بررسی دقیق‌تر روند سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به گزارش «بررسی ساختار سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ایران و عوامل مؤثر بر آن» شماره مسلسل ۲۰۱۶۹ مرکز پژوهش‌های مجلس رجوع شود.

شکل ۶. نمودار روند ارزبری به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰ (حقیقی) و رشد آن در بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱ [۵]



شکل ۷. نمودار نسبت ارزبری بلندمدت به ارزش افزوده بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱ [۵]

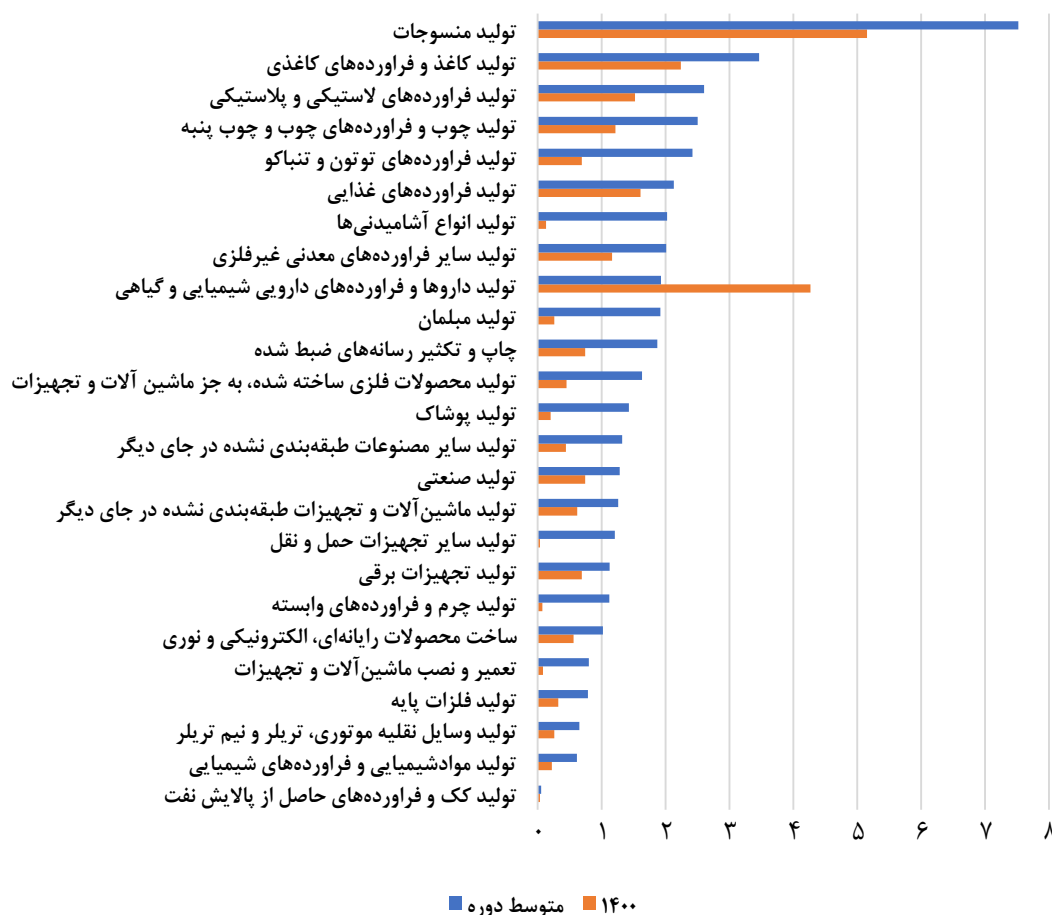


به منظور بررسی روند ارزبری در رشته فعالیت‌های صنعتی ارزبری بلندمدت رشته فعالیت‌های صنعتی به ارزش ثابت در شکل (۸) نشان داده شده است. بدین منظور نسبت ارزبری بلندمدت صنایع به ارزش افزوده هر صنعت در سطح رشته فعالیت‌های صنعتی آورده شده است. این نسبت نشان می‌دهد که صنایع مختلف به نسبت ارزش افزوده‌ای که تولید می‌کنند، به چه میزان ارزبری بلندمدت دارند. بر این اساس، بیشترین ارزبری بلندمدت در صنایع به ترتیب مربوط به صنایع «تولید منسوجات»، «تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی»، «تولید فراورده‌های لاستیکی و پلاستیکی»، «تولید چوب و فراورده‌های چوب و چوب پنبه» و «تولید فراورده‌های توتون و تنباکو» است. نکته جالب توجه این است که هیچ‌یک از این صنایع از نظر ارزبری کوتاه‌مدت در رتبه‌های بالا نیستند، اما ارزبری بلندمدت مربوط به فناوری و تجهیزات است و



ارزبری کوتاه‌مدت به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مربوط می‌شود که جایگزینی صنایع در زنجیره ارزش و جایگاه آن نسبت به زنجیره جهانی ارزش صنایع را نشان می‌دهد و از این رو ممکن است این دو در یک صنعت با یکدیگر کاملاً متفاوت باشند. نگاهی به این شکل نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی، صنایع بزرگ کشور مانند صنایع خودروسازی، صنایع شیمیایی و صنایع پالایشگاهی ارزبری بلندمدت کمی داشته‌اند. صنعت خودرو به‌رغم وابستگی بالا به واردات در کوتاه‌مدت، در بلندمدت به نسبت ارزش افزوده‌ای که ایجاد کرده، ارزبری بالایی نداشته است که ریشه اصلی این مسئله در این صنعت در طول دهه ۹۰ را می‌توان در محدودیت منابع ایجاد شده ناشی از قیمت‌گذاری دستوری و زیان انباشته سنگین خودروسازان جستجو کرد. نکته مهم دیگر این است که تقریباً در همه صنایع به‌جز «تولید پوشاک»، «تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» و «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» ارزبری بلندمدت در سال ۱۴۰۰ کمتر از متوسط دوره بوده است که حکایت از کاهش واردات کالای سرمایه‌ای محدودیت‌های وارداتی و تطبیق نسبی بخش صنعت با این محدودیت‌ها دارد.

شکل ۸. نمودار نسبت ارزبری بلندمدت به ارزش افزوده محصولات صنعتی - درصد (سال ۱۴۰۰ در مقایسه با متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱) [۵]

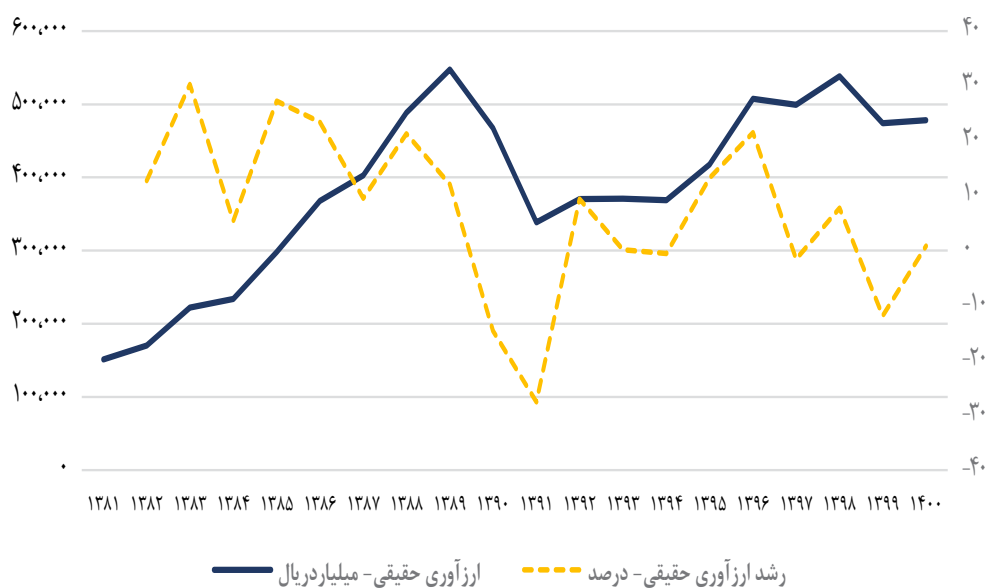


## ۲-۲. ارزیابی صنایع کشور

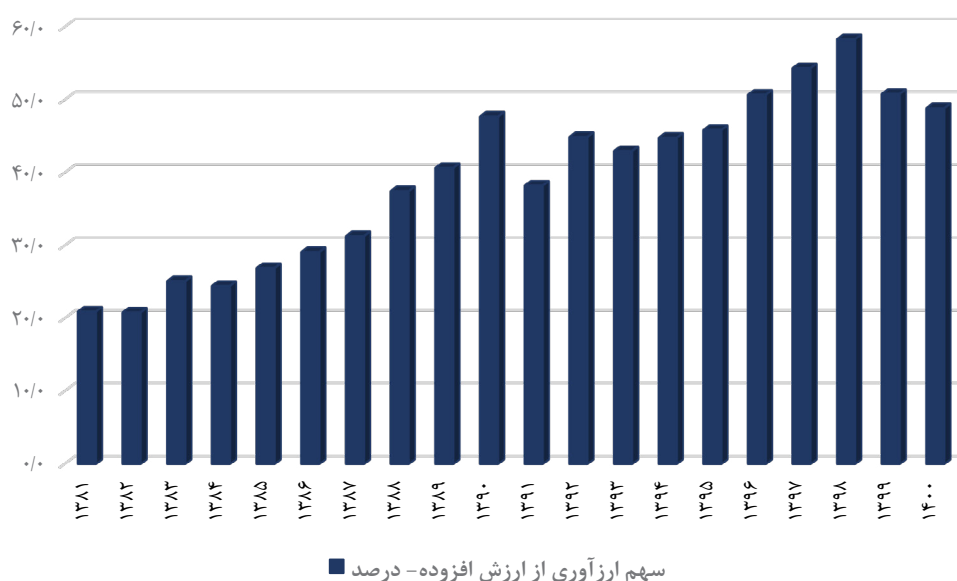
در مقایسه وضعیت یک صنعت لازم است علاوه بر وابستگی آن به واردات و به‌طور کلی نیازها و مصارف ارزی، وضعیت روند و سطح ارزی نیز در نظر گرفته شود. چه‌بسا در برخی از صنایع به‌رغم وابستگی بالا به واردات، به دلیل صادرات قابل توجه ارزی مناسبی نیز حاصل می‌شود و از این منظر این صنایع اهمیت بالایی پیدا می‌کنند. بر همین اساس، در این بخش، با استفاده از آمارهای کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، ارزیابی صنایع نیز بررسی شده است. به‌منظور بررسی روند ارزی صنایع کشور از اطلاعات مربوط به صادرات کارگاه‌های صنعتی استفاده شده است.

بررسی روند کلی و سطح رشد ارزآوری صنایع کشور به قیمت‌های ثابت در شکل (۹) نشان می‌دهد که این روند تقریباً در طول سال‌های دهه ۹۰ باثبات بوده است. با این حال، اگر نسبت ارزآوری به ارزش افزوده بخش صنعت را به عنوان شاخص ارزآوری صنایع مدنظر قرار دهیم، مشخص است که این نسبت در طول دهه ۹۰ به رغم مشکلات مختلف و به خصوص تحریم‌های اقتصادی روند ملایم صعودی داشته است. به نظر می‌رسد که افزایش نرخ ارز و جذابیت بیشتر درآمدهای ارزی باعث شده است تمایل صنایع کشور به افزایش سهم صادرات از سبد فروش افزایش یابد؛ موضوعی که سبب شده است ارزآوری بخش صنعت در مجموع هر چند محدود اما افزایشی باشد. اگرچه در سال ۱۳۹۱ شاهد یک افت قابل توجه در این شاخص هستیم، اما روند کلی در دهه ۱۳۹۰ نشانگر افزایش نسبی ارزآوری بخش صنعت کشور دارد گرچه همان‌طور که به‌طور ملموس در این شکل نمایش داده شده، تغییر روند صعودی نسبت به سال‌های قبل از سال ۱۳۹۰، قابل مشاهده است.

شکل ۹. نمودار روند و رشد ارزآوری صنایع به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰ (حقیقی) در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱ [۵]



شکل ۱۰. نمودار سهم ارزآوری از ارزش افزوده بخش صنعت در دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱ [۵]

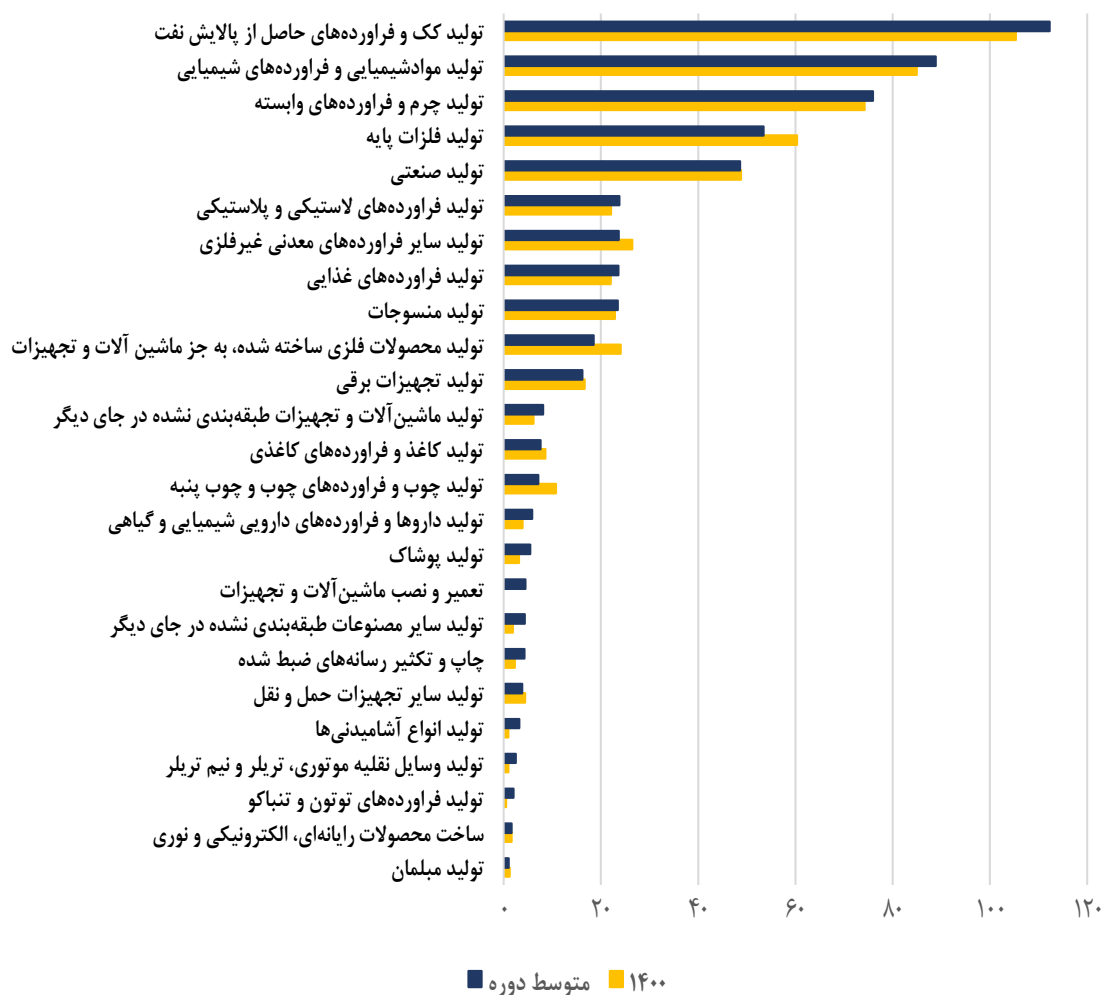




بررسی نسبت ارزش‌آوری به ارزش‌افزوده رشته‌های فعالیت‌های صنعتی در شکل (۱۱) نشان داده شده است. بر این اساس در دوره مورد مطالعه میزان ارزش‌آوری صنایع مختلف در رشته‌های فعالیت‌های «تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی» و «تولید چرم و فراورده‌های وابسته» و «تولید فلزات پایه» بیشتر از متوسط بخش صنعت و بالاتر از نسبت ارزش‌آوری سایر صنایع بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که به غیر از صنعت تولید چرم و فراورده‌های وابسته به آن که صنعتی کاربر است، صنایع بزرگ و سرمایه‌بر کشور که عمده مزیت آنها دسترسی به منابع معدنی و نیز انرژی است و از سوی دیگر در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند، ارزش‌آوری بالاتری نیز از سایر صنایع کشور دارند.

در مقابل، کمترین نسبت ارزش‌آوری کشور در صنایعی است که عمدتاً در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند، که به ترتیب عبارتند از: «تولید مبلمان»، «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری» و «تولید فراورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» و «تولید انواع آشامیدنی‌ها». نگاهی به لیست این صنایع نشان می‌دهد که این صنایع عمدتاً صنایعی هستند که به مصرف‌کننده نهایی فروخته می‌شوند و نقش نوآوری، فناوری و تنوع محصولات در مزیت آنها قابل توجه است. برای نمونه از این صنایع، صنایع خودرو و قطعات قرار دارد که بر اساس شاخص مذکور، در رده‌های پایین ارزش‌آوری قرار دارد.

شکل ۱۱. نمودار نسبت ارزش‌آوری به ارزش‌افزوده محصولات صنعتی - درصد (سال ۱۴۰۰ در مقایسه با متوسط دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۱) [۵]



### ۳. بررسی ارزشیابی و ارزیابی صنایع کشور با رویکرد جدول داده - ستانده

در بخش‌های قبلی گزارش، ارزشیابی و ارزیابی صنایع کشور براساس آمارهای کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر بررسی شد. در این بخش این موضوع با استفاده از جدول داده - ستانده بررسی خواهد شد. مزیت استفاده از جدول داده - ستانده این است که براساس آن می‌توان علاوه بر بررسی ارزشیابی و ارزیابی صنایع، ارزشیابی خالص را نیز برای صنایع کشور محاسبه کرد، چرا که در محاسبات جدول داده - ستانده تقاضای هر صنعت از سایر صنایع و فعالیت‌ها و همچنین تقاضای آنها برای واردات در کنار صادرات و تقاضای نهایی آن صنعت به صورت هم‌زمان گزارش می‌شود؛ از این رو یک صنعت در پیوندهای پیشین و پسین خود در طول زنجیره ارزش قابل بررسی خواهد بود. با مقایسه این اقلام می‌توان نشان داد که هر یک از صنایع به صورت خالص ارزشیابی یا ارزیابی می‌تواند در مسیر سیاستگذاری‌های صنعتی در بخش صنعت کشور استفاده کرد.

در مقابل، نقطه ضعف جدول داده - ستانده در مقایسه با آمار کارگاه‌های صنعتی نیز این است که برای یک سال مشخص محاسبه شده است (آخرین جدول داده - ستانده کشور در سال ۱۳۹۵ توسط مرکز آمار ایران و نیز بانک مرکزی محاسبه شده است) و بنابراین پویایی‌های ناشی از تغییر شرایط کلان کشور در سال‌های مختلف در آن لحاظ نمی‌شود و از این منظر ضرایب این جداول در فواصل ۵ تا ۱۰ ساله نیاز به بازبینی دارند.

ضمن لحاظ نکات مطرح شده و به منظور مقایسه صنایع کشور براساس شاخص‌های ارزشیابی و ارزیابی، از جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۵ بانک مرکزی استفاده شده است. بر این اساس، از اطلاعات مربوط به صادرات کالا و خدمات، واردات کالا و خدمات، واردات واسطه‌ای و نیز تقاضای کل هر فعالیت استفاده شده است. نتایج و شاخص‌های محاسبه شده براساس جدول داده - ستانده در جدول ۱ ارائه شده است.

در ستون اول جدول ۱، عنوان فعالیت صنعتی، در ستون دوم، سهم صادرات هر فعالیت از تقاضای کل آن صنعت به عنوان شاخصی از ارزشیابی آن صنعت، در ستون سوم سهم واردات واسطه‌ای (واردات برای تولید) هر فعالیت از تقاضای کل آن صنعت و در ستون آخر، خالص ارزشیابی (تفاوت صادرات و واردات واسطه‌ای) به نسبت تقاضای داخلی آن صنعت ارائه شده است. در حقیقت ستون آخر نشانگر خالص ارزشیابی یا ارزشیابی صنایع است. مثبت بودن این ستون نشان دهنده ارزشیابی خالص آن صنعت است، زیرا نشان می‌دهد صادرات آن صنعت از واردات واسطه‌ای آن بیشتر است. منفی بودن این نسبت نیز نشان دهنده این است که آن فعالیت به صورت خالص ارزشیابی را از دست می‌دهد. برای مقایسه بهتر بین صنایع، ارقام خالص به تقاضای کل داخلی هر صنعت تقسیم شده‌اند تا این نسبت به صورت درصد نشان داده شود.

بررسی ارقام جدول ۱ نشان می‌دهد که به ترتیب «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی»، «تولید فرآورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)»، «تولید قالی و قالیچه»، «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو (سیگار)» و «فرآوری و نگهداری گوشت، ماهی، میوه و سبزیجات» بیشترین ارزشیابی خالص را در صنایع کشور دارند. دو فعالیت اول، بزرگ‌ترین صنایع کشور و عمده‌ترین منابع ورودی ارز در کشور نیز هستند. سایر صنایع نیز در مقایسه با بازار و تقاضای داخلی خود بیشترین ارزشیابی را دارند که نشانگر مزیت‌های آنها از منظر این شاخص می‌باشد.

در مقابل، صنایع «تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی»، «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی» و «تولید سایر مصنوعات» بالاترین ارزشیابی خالص را در بین صنایع کشور دارند. نگاهی به لیست این صنایع نشان می‌دهد که این صنایع عمدتاً در پایین دست زنجیره ارزش قرار داشته و جزء صنایعی هستند که مزیت‌های دسترسی به مواد معدنی و انرژی ارزان در دسترس در کشور چندان کمکی به رقابت‌پذیری آنها نمی‌کند.



جدول ۱. شاخص‌های ارزش‌آوری صنایع کشور بر اساس جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۵ بانک مرکزی [۶] (درصد)

عنوان فعالیت صنعتی	سهم صادرات از تقاضای داخلی	سهم واردات واسطه‌ای از تقاضای داخلی	خالص ارزش‌آوری به نسبت تقاضای داخلی
فراوری و نگهداری گوشت، ماهی، میوه و سبزیجات	۲۰.۹	۵.۹	۱۵.۰
تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۳.۳	۳۹.۵	-۳۶.۱
تولید فرآورده‌های لبنی، آسیاب غلات (دانه آسیاب شده)، نشاسته و فرآورده‌های نشاسته‌ای	۷.۳	۵.۵	۱.۸
تولید سایر فرآورده‌های غذایی و غذای آماده برای حیوانات	۸.۸	۱۰.۵	-۱.۷
تولید انواع آشامیدنی‌ها	۶.۱	۱۲.۲	-۶.۱
تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو (سیگار)	۲۸.۷	۸.۵	۲۰.۲
تولید منسوجات	۹.۳	۱۵.۹	-۶.۶
تولید قالی و قالیچه	۴۸.۴	۱۸.۸	۲۹.۵
تولید پوشاک	۱۲.۸	۱۲.۹	۰.۰
تولید چرم و فرآورده‌های وابسته به جز کفش	۹.۰	۶.۰	۳.۱
تولید کفش و پاپوش	۲۰.۹	۶.۱	۱۴.۷
تولید چوب و فرآورده‌های چوب و چوب پنبه، به جز مبلمان؛ تولید کالاهای از حصیر و مواد حصیربافی	۱.۱	۸.۰	-۶.۹
تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی	۱.۶	۱۳.۶	-۱۲.۰
چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۲.۴	۱۱.۴	-۹.۰
تولید فرآورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)	۲۶.۹	۱.۲	۲۵.۷
تولید سایر فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت (غیر پالایشگاه‌ها)	۹.۳	۱۲.۰	-۲.۷
تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی	۳۸.۰	۳.۹	۳۴.۱
تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی	۱۲.۷	۱۲.۵	۰.۲
تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی	۱۲.۶	۱۷.۶	-۵.۰
تولید شیشه و محصولات شیشه‌ای	۱۲.۲	۶.۳	۵.۸
تولید محصولات کانی غیر فلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۹.۹	۴.۹	۴.۹

عنوان فعالیت صنعتی	سهم صادرات از تقاضای داخلی	سهم واردات واسطه‌ای از تقاضای داخلی	خالص ارزآوری به نسبت تقاضای داخلی
تولید آهن و فولاد پایه	۱۵۰۲	۷۰۹	۷۰۳
تولید محصولات اساسی مس و آلومینیوم	۱۵۰۱	۴۰۸	۱۰۰۳
تولید سایر فلزات اساسی و ریخته‌گری	۱۵۰۰	۱۷۰۷	-۲۰۸
تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۴۰۰	۱۰۰۵	-۶۰۵
تولید محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری	۱۶۰۵	۱۱۰۶	۴۰۹
تولید تجهیزات برقی	۸۰۲	۱۴۰۴	-۶۰۲
تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۴۰۷	۱۲۰۱	-۷۰۴
تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر	۰۰۹	۲۳۰۲	-۲۲۰۳
تولید سایر تجهیزات حمل‌ونقل	۲۰۴	۱۲۰۵	-۱۰۰۱
تولید میلمان	۱۰۰	۹۰۱	-۸۰۱
تولید سایر مصنوعات	۷۰۳	۲۰۰۵	-۱۳۰۲
تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات	۲۰۶	۱۰۰۲	-۷۰۶

#### ۴. جمع‌بندی

یکی از شاخص‌هایی که در سیاستگذاری صنعتی و اقتصادی در بخش صنعت به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه از جمله اقتصادهایی که تنوع درآمدهای ارزی کمتری نسبت به کشورهای صنعتی دارند مدنظر قرار دارد، میزان ارزآوری و نیز ارزبری صنایع مختلف است. در ۱۵ سال اخیر اقتصاد ایران چند شوک ارزی را تجربه کرده است. این شوک‌ها بر صنایع مختلف تأثیر گذار بوده، اما میزان و شدت تأثیرگذاری این شوک‌ها بر صنایع به یک میزان نبوده است. برخی از صنایع از افزایش نرخ ارز نفع برده‌اند و برخی از صنایع از این وضعیت زیان دیده‌اند. در ادبیات سیاست صنعتی، سیاستگذاری نرخ ارز هم می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست صنعتی مورد نظر قرار گیرد و ادبیات نرخ ارز تعادلی صنعت در همین بستر توسعه پیدا کرده است. همچنین، یکی از نیازهای سیاستگذاری این است که مشخص شود تفاوت بین صنایع از منظر ساختار درآمد و هزینه‌های ارزی چگونه است. شناخت ساختار صنایع از این منظر می‌تواند در سیاستگذاری صنعتی بسیار کلیدی باشد. از این رو، هدف اصلی این گزارش، شناخت ساختار بخش صنعت از منظر ارزآوری و ارزبری به‌منظور بهره‌برداری در سیاستگذاری صنعتی است.

بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که ارزبری کوتاه‌مدت در بخش صنعت از سال ۱۳۹۴ و به‌خصوص در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کاهش قابل توجهی داشته که به‌نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل این روند کاهشی، مشکلات عمده واردات و کاهش تولید ناشی از



محدودیت‌های کرنا بوده است. با توجه به بحران‌های ارزی سال‌های دهه ۱۳۹۰ و مشکلات ناشی از تحریم، به تدریج خود را با شرایط جدید تطبیق داده‌اند.

رویکرد نظام حکمرانی صنعتی و سوگیری سیاستگذاری‌ها در این حوزه در دهه‌های اخیر به نحوی تنظیم شده است که مزیت صادراتی در بخش‌های مشخصی از زنجیره‌های ارزش صنعتی - که در مراحل میانی و بعضاً ابتدایی سطح ارزش افزوده قرار دارد - ایجاد و متمرکز شود. به عبارت دیگر جایگاه ایران در مبادلات جهانی و نقطه ورود آن به زنجیره‌های ارزش بین‌المللی، منجر به شکل‌گیری مزیت‌های صادراتی در برخی از صنایع کشور از جمله صنایع معدنی و پتروشیمی در کشور شده است. از سوی دیگر سیاست‌های اتخاذ شده منجر به شکل‌گیری دسته‌ای دیگر از صنایع در ایران شده است که ارزآوری زیادی برای کشور ندارند، اما اهمیت آنها در تعادل شکل گرفته فعلی - در نتیجه نوع رویکردهای سیاستی اعمال شده توسط مجموعه سیاستگذاران - به دلیل سایر شاخص‌ها و پارامترهاست، مواردی از جمله اشتغال‌زایی، تأمین نیاز بازار داخلی و امثال آن.

مقایسه صنایع از نظر شاخص ارزبری کوتاه‌مدت به نسبت ارزش افزوده نشان می‌دهد که «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر» بیشترین ارزبری را در بین صنایع کشور دارد. این موضوع نشان می‌دهد که حساسیت صنایع خودرو در ایران به نوسانات بازار ارز بالاتر از سایر صنایع است و از سوی دیگر نشان می‌دهد که زنجیره ارزش این صنعت به طور نسبی وابستگی بالایی به زنجیره جهانی ارزش دارد. در رتبه بعدی، صنعت «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری» و سپس صنعت «تولید سایر تجهیزات حمل‌ونقل»، «تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی»، «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید تجهیزات برقی» و قرار می‌گیرند. وجه مشخصه همه این صنایع، پایین دست بودن آنها در زنجیره ارزش است، به بیان دیگر این صنایع اغلب صنایعی هستند که ارزش افزوده بالایی تولید می‌کنند و به بازار مصرف نزدیک‌تر هستند. ارتباطات ناقص آنها با سایر صنایع کشور سبب می‌شود به لحاظ مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیز فنی وابستگی به زنجیره جهانی ارزش تولید محصولات خود را داشته باشند.

در مقابل یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که نسبت ارزبری صنایع بزرگ و مبتنی بر مزیت منابع طبیعی یا انرژی ارزان شامل: «تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی»، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» و «تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت» از سایر صنایع دیگر پایین‌تر است. این موضوع نشان می‌دهد که این صنایع با توجه به اینکه بخش عمده مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خود را از داخل کشور (با توجه به مزیت‌های معادن و نیز انرژی در کشور) تأمین می‌کنند، در کوتاه‌مدت وابستگی کمتری به واردات دارند. وجه مشترک این صنایع نیز این است که همه این صنایع در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند.

در خصوص ارزبری بلندمدت صنایع، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۹۰ میزان ارزبری از کانال واردات کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات نزولی شده که این مهم بیانگر آن است که با توجه به اینکه صنعت ایران در بلندمدت برای تداوم فعالیت و رشد خود نیاز به ماشین‌آلات خارجی به عنوان یکی از مسیرهای انتقال فناوری جدید دارد که این موضوع باید به عنوان یک معضل پنهان در سیاستگذاری‌های صنعتی مدنظر قرار گیرد. بیشترین ارزبری بلندمدت در صنایع به ترتیب مربوط به صنایع «تولید منسوجات»، «تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی»، «تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید چوب و فرآورده‌های چوب و چوب‌پنبه» است. نکته جالب توجه این است که هیچ‌یک از این صنایع از نظر ارزبری کوتاه‌مدت در رتبه‌های بالا نیستند، اما ارزبری بلندمدت مربوط به فناوری و تجهیزات است و ارزبری کوتاه‌مدت به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مربوط می‌شود که جایگزینی صنایع در زنجیره ارزش و جایگاه آن نسبت به زنجیره جهانی ارزش صنایع را نشان می‌دهد و از این رو ممکن است این دو در یک صنعت با یکدیگر کاملاً متفاوت باشند.

یافته‌های گزارش حاضر در خصوص ارزآوری صنایع نشان می‌دهد که این شاخص برای کل بخش صنعت در طول دهه ۹۰ به رغم مشکلات مختلف و به خصوص تحریم‌های اقتصادی روند ملایم صعودی داشته است. به نظر می‌رسد که افزایش نرخ ارز و جذابیت بیشتر درآمدهای ارزی باعث شده است تمایل صنایع کشور به افزایش سهم صادرات از سبد فروش افزایش یابد. این موضوع سبب شده است که ارزآوری بخش صنعت در مجموع افزایش یابد. اگرچه در سال ۱۳۹۱ شاهد یک افت قابل توجه در این شاخص هستیم، اما روند کلی در دهه ۱۳۹۰ نشانگر افزایش ارزآوری بخش صنعت کشور دارد. در سطح رشته فعالیت‌های صنعتی میزان ارزآوری صنایع مختلف در رشته فعالیت‌های «تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» و «تولید چرم و فرآورده‌های وابسته» و «تولید فلزات پایه» بیشتر از متوسط بخش صنعت و بالاتر از نسبت ارزآوری سایر صنایع بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که به غیر از صنعت تولید چرم

و فراورده‌های وابسته به آن که صنعتی کاربر است، صنایع بزرگ و سرمایه‌بر کشور که عمده مزیت آنها دسترسی به منابع معدنی و نیز انرژی است و از سوی دیگر در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند، ارزشی بالاتری نیز از سایر صنایع کشور دارند.

در مقابل، کمترین نسبت ارزشی کشور در صنایعی است که عمدتاً در پایین دست زنجیره ارزش قرار دارند که به ترتیب عبارتند از: «تولید مبلمان»، «ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری» و «تولید فراورده‌های توتون و تنباکو» و «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تولید انواع آشامیدنی‌ها» و «تولید سایر وسایل حمل‌ونقل». نگاهی به لیست این صنایع نشان می‌دهد که این صنایع عمدتاً صنایعی هستند که به مصرف‌کننده نهایی فروخته می‌شوند و نقش نوآوری، فناوری و تنوع محصولات در مزیت آنها قابل توجه است. برای نمونه مهم از این صنایع، صنایع خودرو و قطعات قرار دارد که براساس شاخص مذکور، در رده‌های پایین ارزشی قرار دارد.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که اگر صنایع از نظر شاخص خالص ارزشی با یکدیگر مقایسه شوند، به ترتیب «تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی»، «تولید فراورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)»، «تولید قالی و قالیچه»، «تولید فراورده‌های توتون و تنباکو (سیگار)» و «فراوری و نگهداری گوشت، ماهی، میوه و سبزیجات» بیشترین ارزشی خالص را در صنایع کشور دارند. دو فعالیت اول، بزرگ‌ترین صنایع کشور و عمده‌ترین منابع ورودی ارز در کشور نیز هستند. سایر صنایع نیز در مقایسه با بازار و تقاضای داخلی خود بیشترین ارزشی را دارند که نشانگر مزیت‌های آنها از منظر این شاخص است.

در مقابل، صنایع «تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی»، «تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی» و «تولید سایر مصنوعات» بالاترین ارزشی خالص را در بین صنایع کشور دارند. نگاهی به لیست این صنایع نشان می‌دهد که این صنایع عمدتاً در پایین دست زنجیره ارزش قرار داشته و جزء صنایعی هستند که مزیت‌های دسترسی به مواد معدنی و انرژی ارزان در دسترس در کشور چندان کمکی به رقابت‌پذیری آنها نمی‌کند.



منابع و مأخذ



- [1] Burange, L. G. "Import-Intensity in The Registered Manufacturing Sector of India," *WORKING PAPER: UDE (GE) 6(3)/2000*, 2000.
- [2] Carrasco, A. C. & Tovar-Garcia, E. G. "Trade and growth in developing countries: The role of export composition, import composition and export diversification," *Economic Change and Restructuring*, vol. 34, no. 1, pp. 67-71, 2020.
- [۳] نصیری، هومن. نونژاد، مسعود. حقیقت، علی و ابراهیمی، مهرزاد. «آثار تنوع صادرات صنعتی بر بی‌ثباتی درآمد ارزی بخش صنعت ایران»، فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۵۰)، ۱۳۹۹.
- [۴] محمدی. حسین و فکاری. بهزاد، «اثرات زیرساخت‌های نهادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر تنوع صادرات ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۱، ۱۳۹۴.
- [۵] آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر - مرکز آمار ایران.
- [۶] جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۵ بانک مرکزی.



### گزیده سیاستی

بررسی میزان ارزبری و ارزآوری زنجیره‌های ارزش صنعتی بیانگر روند ملایم صعودی در خصوص ارزآوری صنایع و روند نزولی در میزان ارزبری از کانال واردات کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات بوده است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc@majles.ir](http://rc@majles.ir)